

بررسی سندی زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

در روز غدیر

دکتر امیر توحیدی*

معصومه آعبداللّه**

چکیده

زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر که از جانب امام هادی علیه السلام صادر گردیده، یکی از عالی‌ترین زیارت‌های حضرت امیر علیه السلام است که در طی آن یک دوره کامل عقاید شیعه در آن مطرح شده است. از آنجا که یکی از راه‌های بیان حقایق دین و معالم مکتب تشیع، ادعیه و زیاراتی است که از ناحیه معصومین علیهم السلام صادر و به شیعیان تعلیم داده شده است، به منظور آشنایی هرچه بیشتر و بهره‌برداری از مفاهیم عالی این زیارت در این پژوهش سعی شده با استفاده از کتب رجال سلسله سند راویان این زیارت و درجه اعتبار آنها مورد ارزیابی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: زیارت، زیارت مأثوره، سند، وثاقت، راویان ثقه

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

** دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۱۰/۴

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۲/۱۳

مقدمه

زیارت از ریشه «زور» و به معنای میل و عدول از چیزی است. پس زائر را از آن جهت زائر می‌گویند که وقتی به زیارت مزور می‌رود از غیر او عدول می‌کند و رو بر می‌گرداند. از این رو برخی گفته‌اند: زیارت به معنی قصد و توجه است. (ابن فارس، ۳۶/۳) گویی زائر به هنگام زیارت تمام توجه خویش را معطوف به مزور می‌کند و از غیر او رو بر می‌گرداند.

بی‌تردید یکی از راه‌های بزرگداشت مفاخر و صاحبان کمال، زیارت آنان است زیرا این امر در حقیقت موجب بقا و استمرار حیات معنوی و علمی آنان می‌شود و وسیله ارتباط روحی و عاطفی با شخصیت‌های والا و کمالات ایشان می‌گردد. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام رابطه زائر و مزور در مکتب اهل بیت را این‌گونه بیان فرمودند:

۱۳۱ ————— ﴿ بررسی سندی زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در روز غدیر ﴾

ان لكل امام عهداً في عتق اوليائه و شيعته و ان من تمام الوفا بالعهد و حسن الاداء زيارة قبورهم فمن زارهم رغبة في زيارتهم و تصديقاً بما رغبوا فيه كان ائمتهم شفعا لهم يوم القيمة. (كليني، ۴، ۵۶۷/)

هر امامی به گردن دوستان و شیعیانش عهد و پیمانی دارد که وفای کامل و نیکو به آن عهد و پیمان زیارت قبور ایشان است. پس کسانی که با اشتیاق و تصدیق نسبت به آنان به زیارتشان بروند در روز قیامت ائمه (علیهم السلام) شفیع ایشان خواهند بود.

اقسام زیارت: زیارت مأثور و غیرمأثور

به هنگام زیارت معصومین (علیهم السلام) زائر گاهی با الفاظ و عبارات خود کمالات و مناقب معصومین (علیهم السلام) را بر زبان جاری می‌سازد و از این طریق ارادت قلبی خود را نسبت به اولیای الهی اظهار می‌دارد و از دشمنان ایشان بیزار می‌جوید، که چنین زیارتی زیارت غیرمأثور است. گاهی نیز زائر به وسیله زیارتی که از معصوم رسیده ارادت قلبی خود را به پیشگاه سادات خویش عرضه می‌دارد و بدین طریق از زبان اولیای حق به وصف و ستایش موالیان خود می‌پردازد که این‌گونه زیارات را «زیارات مأثور» می‌نامند. نظیر زیارت جامعه کبیره و زیارت امین الله و...

غالباً در زیارات مأثوره گذشته از اظهار تولی و تبری زائر با ابعاد وجودی و شخصیت امام آشنا می‌شود و بر اثر تدبیر و تأمل در مضامین بلند عرفانی آن می‌تواند به زیارت با معرفت نایل شود. در این‌گونه زیارات، مباحثی از قبیل توحید و صفات الهی، نبوت و پیامبرشناسی، امامت و رهبری، تاریخ زندگانی ائمه هدی (علیهم السلام) و بیان مظلومیت‌ها و رنج‌های آنان، و بسیاری معارف دیگر بیان شده است. پس، به یقین می‌توان گفت: زیارت‌نامه‌هایی نظیر زیارت امین الله، زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روز غدیر و زیارت جامعه کبیره و... از جمله گنجینه‌های گرانسنگی به شمار می‌رود که در کنار کتاب خدا و احادیث معتبر، منبع غنی و سرشاری است برای هر چه بهتر شناختن حقیقت دین و آشنایی با مقام و منزلت معصومین (علیهم السلام).

یکی از شیوه‌های رایج علمی در استفاده از روایات نقل شده از پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت ایشان (علیهم السلام)، آن است که معمولاً اخبار و احادیث را در دو مرحله به بحث می‌گذارند. یکی مرحله سند و دیگری مرحله دلالت. به این روش، به خصوص در مباحث فقهی و استنباط احکام شرعی از منبع «سنت»، اهمیت بیشتری داده شده است و فقیهان، آنجا که می‌خواهند بر اساس یک روایت، حکمی الزامی (وجوب یا حرمت) را به شارع نسبت دهند، با دقت و موشکافی، ابتدا سند آن را بررسی می‌کنند. دانشمندان فقه و حدیث از این نظر احادیث را به چهار گروه اصلی صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم می‌کنند و در مقام عمل به احادیث فقهی، فقط در صورتی که روایتی از حد نصاب لازم برای استفاده یک موضوع فقهی برخوردار باشد، مطابق آن فتوا می‌دهند. البته چنان‌که اشاره شد، دقت نظری که فقها در بررسی اسناد روایات اعمال می‌کنند بیشتر در جایی است که بخواهند بر اساس آن به وجوب یا حرمت عملی نظر بدهند و گرنه در غیر احکام الزامی، از قاعده‌ای به نام قاعده تسامح در ادله سنن استفاده می‌کنند و معتقدند دقت و سختگیری در اسناد اخباری که بر امور مستحبی (یا مکروه) دلالت دارد لازم نیست. (سبحانی، ۱۱۵/۲)

با این مقدمه می‌توان گفت که در مثل محل بحث ما یعنی زیارت حضرت امیر در روز غدیر و سایر زیارت‌نامه‌ها، نیازی به بررسی سند به شیوه رایج فقهی نیست؛ زیرا اصل زیارت مستحب و خواندن زیارت‌نامه نیز مستحب است و از این نظر قاعده یاد شده می‌تواند مورد استناد قرار گیرد.

اما بنای پژوهش حاضر بر آن است که به بررسی سندی این زیارت پردازد و اسنادی که محدثین و نویسندگان کتب مزار و حدیث برای این زیارت‌نامه شریف نقل کرده‌اند اشاره نماید.

ملاک حجیت دلیل نقلی

یکی از مباحثی که دانشمندان علم اصول در این زمینه با حجیت اخبار و احادیث

۱۳۳ ————— ﴿ بررسی سندی زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در روز غدیر ﴾

نقل شده از معصومین (علیهم السلام) مطرح می‌کنند آن است که ملاک حجیت خبر واحد اطمینان به صدور آن از معصوم علیه السلام است. البته به‌طور معمول این وثاقت و اطمینان، از شناخت عدالت و وثاقت راویان و توثیق کتب رجالی به دست می‌آید ولی باید توجه داشت که این امر موضوعیت ندارد بلکه طریقت دارد؛ یعنی اصرار بر اتصال سلسله سند روایت و احراز وثاقت و عدالت آنان صرفاً به عنوان راهی برای اطمینان به صدور حدیث از معصوم علیه السلام اهمیت پیدا می‌کند و به خودی خود هدف نمی‌باشد و ارزش ذاتی ندارد. (همان، ۲/ ۱۱۵)

بنابراین از هر راه معقولی که اطمینان به صدور به دست آید کافی است؛ خواه به عدالت و وثاقت راوی باشد خواه به اتقان و صلابت متن و خواه به استناد فقها در مقام استدلال و امثال آن.

در مورد زیارت حضرت امیر علیه السلام در روز غدیر سلسله سند راویان کامل و متصل به معصوم علیه السلام است و متن زیارت طوری است که صدور آن از غیر معصوم غیرممکن به نظر می‌رسد. البته این موضوع وقتی مسلم و مسجل خواهد شد که عبارات این زیارت را بر معارف بلند قرآن کریم عرضه نماییم و هماهنگی و عدم مغایرت مضامین آن را با آیات قرآن به روشنی دریابیم؛ زیرا بنا بر روایات رسیده از معصومین (علیهم السلام) یکی از مهم‌ترین راه‌های شناخت حدیث صحیح عرضه آن بر قرآن است. به عبارت دیگر، مرجع نهایی بررسی صحت و سقم روایات، قرآن کریم می‌باشد. و البته این مطلب پژوهش دیگری را می‌طلبد که موکول به توفیق الهی در آینده خواهد بود.

سند زیارت

زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به وسیله تعدادی از مؤلفین کتب زیارت و حدیث نظیر شهید اول در «المزار»، علامه مجلسی در «بحارالانوار»، شیخ محمدبن المشهدی در «المزار الکبیر» و شیخ عباس قمی در «هدیه الزائرین» از حضرت امام هادی علیه السلام نقل شده است. مؤلفین مذکور در نقل این زیارت به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) برخی از مؤلفین زیارت مذکور را بدون ذکر سلسله و به صورت مرسل آورده و فقط به متن زیارت توسط امام هادی علیه السلام در روز عید غدیر اکتفا نموده‌اند. به عنوان مثال، علامه مجلسی در کتاب *بحارالانوار*، ۱۷۲/۴۱ تا ۱۷۹ متن کامل زیارت را بدون ذکر سند آورده است.

ب) برخی دیگر از نویسندگان فوق که آنان هم سند خود را به امام هادی علیه السلام رسانده‌اند، برای این زیارت سلسله سند ذکر نموده‌اند. به عنوان مثال شیخ ابو عبدالله محمد بن جعفر المهدی، در کتاب «المزار کبیر» و شیخ عباس قمی در «هدیه الزائرین» این زیارت را به صورت مسند چنین نقل می‌کند: «اخبرنی الفقیه الاجل ابوالفضل شاذان بن جبرئیل القمی عن الفقیه العماد محمد بن ابی القاسم طبری، عن ابی علی، عن والده محمد بن الحسن، عن الشیخ المفید محمد بن محمد بن النعمان، عن ابی القاسم جعفر بن قولویه، عن محمد بن یعقوب الكلینی، عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابی القاسم بن روح و عثمان بن سعید العمری عن ابی محمد الحسن بن العسکری عن ابیه - صلوات الله علیهما.» (قمی، ۲۲۹)

در مزار قدیم که مؤلفش فردی معاصر محمد بن المشهدی است نیز این زیارت به همین سند مذکور است به اختلاف جزئی، به این قسم که تا شیخ کلینی موافقت کرده پس از آن گفته: «عن علی بن ابراهیم، عن شیخ ابی القاسم بن روح عن الشیخ الجلیل عثمان بن سعید و به ملاحظه طبقه روات، این سند به صواب اقرب است^۱».

در مزار قدیم بعد از ذکر سند این زیارت چنین فرموده: «عن الشیخ الجلیل عثمان بن سعید العمری - قدس الله ارواحهم - عن مولانا ابی محمد الحسن العسکری، عن مولانا ابیه علی بن محمد الهادی - صلوات الله علیهم و ذکر أنه علیه السلام - زارها مولانا امیر المؤمنین علیه السلام یوم الغدیر فی السنّة التي أشخصه فيها المعتصم، فتقف علی ضریح مولانا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب - صلوات الله علیه و کما حضرت مشهده الشریف - و این حکلت من البلاد فزُرّه بهذه الزیارة و خصوصاً یوم الغدیر.» (عثمان بن سعید از امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده که

۱ در این سلسله ۱۰ راوی تا امام ذکر شده است و ابراهیم بن هاشم جزء سلسله سند ذکر نشده است.

آن حضرت فرمود: پدر بزرگوارش به این زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام را در روز غدیر زیارت کرده در آن سالی که معتصم آن حضرت را طلبیده بود. پس می ایستی بر سر قبر حضرت و هرگاه حاضر شدی در آن مشهد شریف و در هر سرزمینی که باشی. پس آن حضرت را به این زیارت به خصوص در روز غدیر زیارت کن.

ارزیابی سند زیارت

۱. شاذان بن جبرئیل

آیت الله خوئی از برخی دانشمندان رجالی در مورد وی چنین نقل می کند: «الشیخ الجلیل الثقة، ابوالفضل شاذان بن جبرئیل بن اسماعیل القمی، کان عالماً، فاضلاً، فقیهاً عظیم الشأن، جلیل القدر، له كتب له كتب منها كتاب «ازاحة» العلة فی معرفة القبلة، عندنا منه نسخة، ذكره الشهيد فی الذکری، و کتاب تحفة المؤلف الناظم و عمدة المكلف الصائم و قد ذکرهما الشیخ حسن فی اجازته، یروی عنه فخارین معد الموسوی، و له ایضاً کتاب الفضائل، حسن، عندنا منه نسخة. (خوئی، ۹، ۷/)

۲. العماد محمد بن ابی القاسم الطبری

صاحب معجم الرجال در مورد وی به نقل از فهرست الشیخ منتجب الدین چنین می نویسد: «الشیخ الامام، عماد الدین محمد بن ابی القاسم بن محمد بن علی الطبری الاملی الکجی: فقیه، ثقة، قرأ علی الشیخ ابی علی بن الشیخ ابی جعفر الطوسی، و له تصانیف منها: کتاب الفرج فی الاوقات و المخرج بالبیئات، شرح مسائل الذریعه، قرأ علیه الشیخ الامام قطب الدین ابوالحسین الراوندی و روى لنا عنه.» (خوئی، ۱۵/۳۰۷)

و قال ابن شهر آشوب فی معالم العلماء (۷۸۹): «محمد بن القاسم الکجی الطبری: له کتاب "البشارات" و قال الشیخ الحرّ فی تذکرة المتبحرین (۶۹۸): "و اسم ابی القاسم علی، و هو ثقة و جلیل القدر، محدث، و له ایضاً کتاب بشارة المصطفی لشبعة المرتضی، سبعة عشر جزءاً، و له کتاب الزهد و التقوی و غیر ذلك." (همان، ۱۵، ۳۰۸-۳۰۷)

۳. عن ابی‌علی = الحسن بن محمد بن الحسن = الحسن بن الشیخ

آیت الله حویبی در مورد ایشان چنین می‌نویسد: قال الشیخ منتجب الدین فی فهرسته: «الشیخ الجلیل ابو علی، الحسن بن محمد بن الحسن بن علی الطوسی فقیه، ثقة، عین، قرأ علی والده جمیع تصانیفه، اخبرنا الوالد عنه و قال الشیخ الحر فی تذکره المتبحرین کان عالماً، فاضلاً، فقیهاً، محدثاً، جلیلاً، ثقة له کتب منها: کتاب الامالی و شرح النهایه و غیر ذلك.» (همان، ۵، ۱۱۴/)

در کتاب الفهرست شیخ طوسی آمده است: «الشیخ الجلیل الثقة العین ابوعلی الحسن - ابن الشیخ الطوسی - رحمه الله.» (طوسی، ر)

۴. عن والده محمد بن الحسن (شیخ طوسی)

شیخ طوسی صاحب ده‌ها تألیف در حدیث، فقه، تفسیر و رجال است که نجاشی وی را چنین توصیف کرده است: «جلیل فی اصحابنا، ثقة، عین...» (نجاشی، ص ۴۰۳؛ خوئی، ج ۵، ص ۲۴۳)

از آنجا که دو کتاب از کتب اربعه شیعه به ایشان تعلق دارد تاریخچه مختصری از زندگی ایشان را در این قسمت نقل می‌نماییم.

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی^۱، فقیه، رجالی، مفسر، ادیب و متکلم بزرگ شیعه است که ملقب به «شیخ الطائفه» می‌باشد. وی در ماه رمضان سال ۳۸۵ هجری به دنیا آمد و در سال ۴۶۰ هجری از دنیا رحلت کرد. (حلی، ص ۱۴۸) با توجه به این‌که او خود را در کتاب «فهرست» با عنوان «طوسی» یاد نموده (طوسی، ۶۹۹) و نجاشی نیز با همین لقب از او نام می‌برد، (نجاشی، ص ۱۰۶۸)، می‌توان نتیجه گرفت او در منطقه طوس خراسان به دنیا آمد و در همان شهر مقدمات علوم را فراگرفت.

۵. الشیخ المفید محمد بن محمد بن النعمان

وی استاد سیدمرتضی و سیدرضی، شیخ طوسی و نیز استاد عالم رجالی احمد بن علی نجاشی است.

۱ برای زندگی شیخ طوسی، نک، شیخ آغابزرگ تهرانی، تفسیر تبیان ج اول، مقدمه کتاب. یادنامه شیخ طوسی، از انتشارات دانشگاه مشهد.

۱۳۷ ————— ﴿ بررسی سندی زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در روز غدیر ﴾

نجاشی در توصیف وی می‌گوید: «شیخنا و استاذنا فضله اشهر من ان یوصف فی الفقه و الکلام و الروایة و الثقة و العلم... له کتاب: الرسالة المقنعة الارکان فی دعائم الدین، کتاب الايضاح فی الامامة، کتاب الارشاد، کتاب العیون و المحاسن، کتاب الفصول من العیون و المحاسن و...»
شیخ طوسی پس از شرح کوتاهی درباره شخصیت وی می‌نویسد: او قریب به دوست کتاب از کوچک و بزرگ دارد. آن‌گاه پس از ذکر نوزده کتاب از آثار او اضافه می‌کند: «سمعنا منه هذه الكتب كلها بعضها قرائة عليه و بعضها یقرأ علیه غیر مرة و هو یسمع.» (همان، ۳۸۷)

شیخ طوسی برای نگارش تهذیب، کتاب مقنعه شیخ مفید را که در آن زمان مرجعیت شیعیان را بر عهده داشت، به عنوان چارچوب کار خود انتخاب نمود.
فهرست شیخ طوسی در مورد او چنین نوشته است: «یکنی اباعبدالله، المعروف بابن المعلم، من جملة متکلمی الامامية، انتهت الیه رئاسة الامامية فی وقته، و کان مقدماً فی العلم و صناعة الکلام و کان فقیهاً متقدماً فیہ، حسن الخاطر، دقیق الفطنة، حاضر الجواب.» (طوسی، الفهرست، ص ۲۳۸)

۶. ابی‌القاسم جعفر بن قولویه قمی - استاد شیخ مفید

نجاشی در مورد وی می‌گوید: «کان ابوالقاسم من ثقات اصحابنا و اعلامهم فی الحدیث و الفقه و کل ما یوصف به الناس من جمیل و ثقة و فقیه فهو فوقه» (ابوالقاسم از ثقات اصحاب ما بزرگان ایشان در فقه و حدیث است یعنی هر صفتی مثل جمیل و ثقة و فقیه که مردم بدان توصیف می‌شوند وی فوق آن است).

علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار در تمجید از کتاب وی می‌نویسد: «کتاب کامل الزیارات من الاصول المعروفة و اخذ منه الشیخ فی التهذیب و غیره من المحدثین» (کتاب کامل الزیارات از کتاب‌های اصلی شناخته شده است و شیخ طوسی در تهذیب و دیگر محدثین از آن اخذ کرده‌اند).

یکی از امتیازات کتاب مذکور آن است که مؤلف، رجال اسناد آن را یکجا توثیق نموده است. عبارت ایشان چنین است: «لم اخرج حديثاً روى عن غيرهم و قد علمنا انا لا نحيط ما روى عنهم فى هذا المعنى و لا فى غيره لكن ما وقع لنا من جهة الثقات من اصحابنا و لا اخرجت فيه حديثاً روى عن الشذاذ من الرجال» (ابن قولويه، ۴) (در این کتاب از غیر ائمه طاهرين (عليهم السلام) روایت نکردیم و می‌دانیم که احاطه به همه روایات ایشان در این زمینه (زیارات و دیگر موارد ممکن نیست، ولی فقط آنچه از ثقات اصحاب به ما رسیده آورده‌ایم، نه آنچه از راویان شاذ روایت شده است).

آیت الله محمدی گیلانی در این زمینه چنین می‌نویسد: «وثاقت راوی به شهادت ثقه ثابت می‌شود. در این جهت فرقی نیست که ثقه به وثاقت شخص معین و مخصوص شهادت دهد یا در ضمن توثیق جماعتی شهادت دهد.» (محمدی گیلانی، ۷۱)

به نظر آیت الله خوئی یکی از راه‌هایی که وسیله اثبات وثاقت یا حسن راویان است، ادعای یکی از بزرگان قدیم در زمینه وثاقت یک راوی است. این اجماع هرچند از نوع اجماع منقول^۱ است، اما دست‌کم گویای توثیق دانشمندی است که ادعای اجماع کرده است، توأم با ادعای توثیق از طرف دیگران. ادعای اجماع بر وثاقت یک راوی، حتی اگر از جانب متأخران نیز باشد، مقبول است و بر آن اعتماد می‌شود. این حالت در خصوص ابراهیم بن هاشم رخ داده است؛ زیرا ابن طاووس ادعا کرده است که راجع به وثاقت او اتفاق نظر است. چنین ادعایی - خواه ناخواه - از توثیق دسته‌ای از قدما پرده برمی‌گیرد و این خود در اثبات وثاقت راویان کافی است. (خوئی، درآمدی بر علم رجال، ص ۵۳)

۷. محمدبن یعقوب الكلینی

ابوجعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی متوفای سال ۳۲۹ هجری مولف

۱ منظور از اجماع منقول، اجماعی است که فقیه خود به آن دست نیافته باشد بلکه دیگر فقیهان آن را برای او نقل کرده‌اند؛ چه این نقل با یک واسطه باشد یا با چند واسطه.

نخستین کتاب از کتب اربعه شیعه می باشد. زادگاه کلینی، روستای کلین از توابع شهرری بوده و سالهای ابتدای زندگی خود را در همان زادگاه خویش سپری کرده و سپس جهت کسب علوم دینی به قم روی آورده است. او پس از استفاده از محضر مشایخ آن حوزه، جهت تکمیل اطلاعات خویش به سفرهای متعددی دست زد که در رأس آن می توان از دیدار او از حوزه های کوفه، نیشابور و بغداد نام برد. کلینی پس از دیدار با بزرگان این حوزه ها مجدداً به ری عزیمت نمود.

نجاشی در کتاب رجال خود در مورد ایشان چنین می نویسد: «اوثق الناس فی الحدیث و اثبتهم صنف الکتاب الکبیر المعروف بالکلینی سمی الکافی فی عشرين سنة...» (خوئی، ج ۱۹، ص ۷۰-۵۴)

نجاشی در شرح حال او می نویسد: «کلینی در عصر خود بزرگ و پیشوای اصحاب ما در شهر ری بود و در حدیث موثق ترین و ضابط ترین آنها به شمار می آمد. او کتاب خود «کافی» را در ظرف بیست سال تألیف نمود.» (نجاشی، ص ۱۰۲۶)

مرحوم کلینی پس از تألیف جامع حدیثی خود در سال ۳۲۷ هجری عازم بغداد گردید و در دو سال آخر حیات خود، کتاب کافی را در جمع محدودی از یاران و شاگردان خود به معرض روایت گذاشت. (طوسی، ج ۱۰، ص ۲۹)

در کتاب کافی، مجموعاً ۱۵۳۳۹ روایت وجود دارد که سند آن با یکی از مشایخ کلینی شروع می گردد و بررسی این اسناد نشان می دهد که کلینی روایات خود را مجموعاً از سی و چهار نفر روایت کرده است. لیکن از مجموع روایات فوق ۱۵۲۸۴ روایت از هشت نفر از مشایخ حدیثی و پنجاه و پنج روایت به واسطه بیست و شش نفر دیگر روایت شده است. این مشایخ هشت گانه که در واقع ۹۹ درصد و اندی از روایات کافی به توسط آنان روایت شده است به ترتیب کثرت روایت عبارت اند از: علی بن ابراهیم قمی، محمد بن یحیی العطار، ابوعلی اشعری، حسین بن محمد، محمد بن اسماعیل، حمید بن زیاد، احمد بن ادريس و علی بن محمد. (معارف، ص ۳۵۸)

در بین مشایخ کلینی دو نفر بیش از دیگران در تربیت وی و تأمین منابع او سهمیم بوده‌اند و این دو عبارت از علی بن ابراهیم قمی و محمد بن یحیی اشعری می‌باشند. کلینی علاوه بر نقل روایات از این دو نفر بعضاً به ذکر فتاوی فقهای آنان نیز مبادرت کرده است. اما در عین حال باید توجه داشت که بسیاری از روایات کلینی از این دو نفر خاصه علی بن ابراهیم قمی با استفاده از آثار و احادیثی است که علی بن ابراهیم به توسط پدرش ابراهیم بن هاشم در کتابخانه خود فراهم کرده بود. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که مرحوم کلینی در تألیف جامع روایی خویش از بسیاری از اصول و مصنفات حدیثی به‌طور مستقیم استفاده کرده است.

۸. علی بن ابراهیم: ابوالحسن القمی

صاحب التفسیر هو الثقة الجلیل ابوالحسن علی بن ابراهیم بن هاشم القمی، قال النجاشی (علی ما حکاه صاحب التنقیح). (تنقیح المقال، ۲/۲۶۰)

ثقة فی الحدیث، ثبت، معتمد، صحیح، المذهب سمع فاکثر. (نجاشی، ص ۲۶۰)

و عنوانه ابن داود فی الباب الاول و وثقه فی الوجیزه و البلغه و عن اعلام الوری انه من اجل رواة اصحابنا کان فی عصر الامام العسکری علیه السلام و عاش الی سنه ۳۰۷ و قد اکثر ثقه الاسلام محمد بن یعقوب الكلینی - رحمة الله - الروایه عنه فی الکافی.

کتب علی بن ابراهیم قمی: الناسخ و المنسوخ، قرب الاسناد، الشرائع، التوحید و الشرک، کتاب فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، کتاب المناقب.

۹. عن ابیه (ابراهیم بن هاشم) ابواسحاق القمی - اصله کوفی

آیت الله خویی در معجم الرجال چنین آورده اند: در وثاقت ابراهیم بن هاشم جای هیچ شک و تردیدی نیست و دلالت آن را از چهار جهت مورد بررسی قرار داده اند که متن کامل آن را ذکر می‌کنیم:

۲- انه روی عنه ابنه علی فی تفسیره کثیرا و قد التزم فی اول کتابه بان ما یذکره فیہ قد

انتهی الیه بواسطه الثقات.

- ۳- ان السيد بن طاووس ادعى الاتفاق على وثاقته، حيث قال عند ذكره رواية عن امالي الصدوق في سندها ابراهيم بن هاشم: ورواة الحديث ثقات بالاتفاق.
- ۴- انه اول من نشر حديث الكوفيين بقم و القميون قد اعتمدوا على رواياته، و فيهم من هو مستصعب في امر الحديث، فلو كان فيه شائبه الغمز لم يكن يتسالم على اخذ الرواية عنه و قبول قوله.
- ۵- انه وقع في اسناد كامل الزيارات وقد مرت شهادة ابن قولويه بوثاقه جميع من وقع في اسناد كتابه المنتهيه روايتهم الى المعصوم عليه السلام. (خوئي، ۱/۱۳۸)

۱۰. ابوالقاسم بن روح از وكلاى امام مهدي عليه السلام = النوبختى ابوالقاسم

آيت الله خويى در مورد ايشان چنين مى نويسند: هو احد السفراء و النواب الخاصه، للامام الثانى عشر (عجل الله تعالى فرجه الشريف) و شهرة جلالته و عظمته اغتناعن الاطالة فى شأنه. (همان، ۵، ۲۳۶)

ايشان يکى از سفرا و نواب خاص امام دوازدهم حضرت مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) هستند که شهرت جلالته و عظمت ايشان ما را از اطاله ي کلام در شأن ايشان بى نياز مى سازد.

حسين بن روح از زمان امام حسن عسکرى عليه السلام به خدمت مشغول بود و او را در شمار اصحاب خاص و حتى «باب» امام يازدهم عليه السلام نوشته اند. (مناقب آل ابى طالب، ۱/ ۴۵۸)

از ویژگی های ابوالقاسم حسين بن روح که ظاهراً در گزينش او و انتصابش به نيابت بى تأثير نبوده، اين است که وى شخصى بسيار رازدار و سرنگه دار بوده است. روايت ابوسهل نوبختى از بزرگان اماميه مؤيد اين مطلب است. (طوسى، الغيبة، ص ۲۴۰)

شيخ طوسى مى گويد: «ابوالقاسم (حسين بن روح) نزد دوست و دشمن داناترين مردم بود و تقيه را به کار مى گرفت.» (همان، ص ۲۳۶)

آثار ایشان: در کتاب التکلیف و التأديب می‌باشد که ذکر آن در الغیبه شیخ طوسی آمده است. (همان، ص ۲۳۹ - ۲۴۰)

ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی در ماه شعبان سال ۳۲۶ وفات یافت و در بغداد در خانه علی بن احمد نوبختی به خاک سپرده شد. (همان، ۲۳۸)

امام علیه السلام در توقیعی که شیخ طوسی در الغیبه آورده، چنین فرموده است: «ما او را می‌شناسیم. خداوند همه خوبی‌ها و رضای خود را به او بشناساند و او را به توفیق خود سعادت‌مند گرداند. از نامه او اطلاع یافتیم و به وثوق او اطمینان داریم. وی در نزد ما، مقام و جایگاهی دارد که او را مسرور می‌گرداند و خداوند احسان خود را درباره او افزون گرداند. همانا او سرپرستی تواناست. و سپاس بر خداوندی که شریک ندارد و درود و سلام فراوان خدا بر رسولش محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او باد.» (طوسی، ۲۲۷؛ الغیبه، ۲۲۷)

۱۱. عثمان بن سعید العمری از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری (علیهما السلام)

صاحب معجم الرجال در مورد ایشان چنین می‌نویسد:

«عدة الشيخ في رجاله في اصحاب الهادي عليه السلام. قائلاً: عثمان بن سعيد العمرى، يكنى ابا عمرو السمان، و يقال له: الزيات خدمه (الهادي) عليه السلام و له احدى عشرة سنة وله اليه عهد معروف و (اخرى) في اصحاب العسكرى عليه السلام. قائلاً: عثمان بن سعيد العمرى الزيات و يقال له السمان يكنى ابا عمرو جليل القدر، ثقة، وكيه العسكرى عليه السلام.»

آیت الله خوئی در شرح حال فرزند ایشان یعنی محمد بن عثمان بن سعید در مورد خود عثمان بن سعید نیز چنین آورده است: (عثمان بن سعید) وکیل من جهة صاحب الزمان علیه السلام، و له منزلة جلیلة عند الطائفة. (خوئی، ج ۱۱، ص ۱۱۱)

و امام هادی (علیه السلام) نیز درباره ایشان فرمودند: "هذا ابو عمرو الثقة الامين، ما قاله لكم نعتي يقوله و ما اداه اليكم فعني يؤديه"، همچنین امام حسن عسکری (علیه السلام) نیز در مورد عثمان بن سعید سخنی همچون کلام پدر بزرگوارشان بیان فرموده است: "هذا ابو عمرو الثقة،

۱۴۳ ————— ﴿ بررسی سندی زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در روز غدیر ﴾

الامین، ثقة الماضي و تقتی فی المحیا و الممات فما قاله لكم نعنی یقوله و ما اداه الیکم فعنی
یؤدیه". (همان، ۱۱۲/۱۱)

مدرسی در ریحانة الادب هم، عثمان بن سعید را با عبارات زیر معرفی می نماید:
«امین و عادل و ثقة و جلیل القدر و طاهر و عقیف از وکلای اربعه حضرت ولی عصر -
ارواحنا فدا.» (مدرسی، ۲۰۶/۴)؛ نیز نک، تستری، ۱۲۰/۷؛ کشی، ۵۸۰؛ کلینی، ۳۳۰/۱
ثم انه ذکر ابن شهر آشوب، ان عثمان بن سعید العمری کان باباً لابی جعفر محمد بن علی
التقی عیله السلام (المناقب، ۴)

نتیجه گیری

چنان که ملاحظه شد، راویان این زیارت همگی از علمای جلیل القدر و ثقة‌ای
همچون شیخ مفید، ابن قولویه، کلینی، علی بن ابراهیم قمی می باشند و دو نفر از راویان
از وکلای خاص حضرت مهدی علیه السلام هستند.
با توجه به مطالب مطرح شده در این مقاله می توان ادعا نمود که زیارت حضرت
امیر در روز غدیر در عداد موثق ترین زیاراتی است که از ناحیه امام معصوم (حضرت
هادی علیه السلام) به شیعیان و علاقه مندان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) ارزانی داشته شده است.

منابع

- ۲- ابن بابویه، محمدبن علی، *من لا یحضره الفقیه*، ترجمه محمد جواد غفاری، تهران، ۱۳۸۵ش.
- ۳- ابن فارس بن زکریا، ابوالحسین احمد، *معجم المقاییس اللغة*، قم، ۱۴۰۴ ق.
- ۴- ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، نجف، ۱۳۵۶ ش.
- ۵- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد، *مناقب آل ابی طالب*، قم، ۱۳۷۹ ق.
- ۶- بحر العلوم طباطبایی، محمد المهدی، *رجال بحر العلوم*، تهران، ۱۱۵۵-۱۲۱۲ ق.
- ۷- تستری، محمد تقی، *قاموس الرجال*، ۱۴۱۸ ق.
- ۸- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله، *ادب فنای مقربان* (شرح زیارت جامعه کبیره)، قم، ۱۳۸۱ش.
- ۱۰- حلی، جمال‌الدین حسن بن یوسف بن علی بن مطهر (علامه حلی)، *خلاصه الاقوال فی معرفة احوال الرجال*، قم، ۱۴۱۱ق.
- ۱۱- سبحانی، جعفر، *الوسیط فی اصول الفقه*، قم، ۱۳۸۰.
- ۱۲- سید بن طاووس حسینی، عبدالکریم بن احمد، *فرحة الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین (علیه السلام)*، قم، ۱۴۱۹ ق.
- ۱۳- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، تهران، ۱۳۶۷ش.
- ۱۴- _____، *الفهرست*، به کوشش بحر العلوم، نجف.
- ۱۵- _____، *رجال طوسی*، قم، ۱۴۱۵.
- ۱۶- _____، *الغیبة*، مقدمه شیخ آغا بزرگ تهرانی، تهران.
- ۱۷- خوئی، ابوالقاسم، *معجم الرجال الحدیث*، قم، ۱۳۶۹ ش.
- ۱۸- _____، *مقدمه معجم الرجال*، ترجمه عبدالهادی فقهی زاده، تهران، ۱۳۷۶ش.
- ۱۹- قمی، عباس، *هدیه الزائرین بهجة الناظرین*، قم، ۱۳۸۳ش.
- ۲۰- _____، *مفاتیح الجنان*.
- ۲۱- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، تصحیح و پاورقی طیب جزایری، قم، پاییز ۱۳۶۷ش.
- ۲۲- کشی، محمد بن عمر، *رجال کشی*، ۱۳۴۸.
- ۲۳- کلینی الرازی، یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، تهران، ۱۳۶۵ ش.
- ۲۴- مشهدی، ابو عبدالله محمد بن جعفر، *المزار الكبير*، تحقیق جواد قیومی، قم، ۱۴۱۹ ق.
- ۲۵- مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- ۲۶- محمد بن مکی (شهید اول)، *المزار*، چاپ اول، قم، ۱۴۱۰ ق.
- ۲۷- محمدی گیلانی، محمد، *شرح زیارت امین الله*، مقدمه و پاورقی زین العابدین قربانی، قم، ۱۳۷۴ ش.

- ۲۸- مدرّس، محمد علی، *ریحانة الادب*، تهران، ۱۳۶۹.
- ۲۹- معارف، مجید، *تاریخ عمومی حدیث*، تهران، ۱۳۸۵.
- ۳۰- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم.
- ۳۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، تهران، ۱۳۹۷ ق.
- ۳۲- مظفر، محمد رضا، *اصول الفقه*